



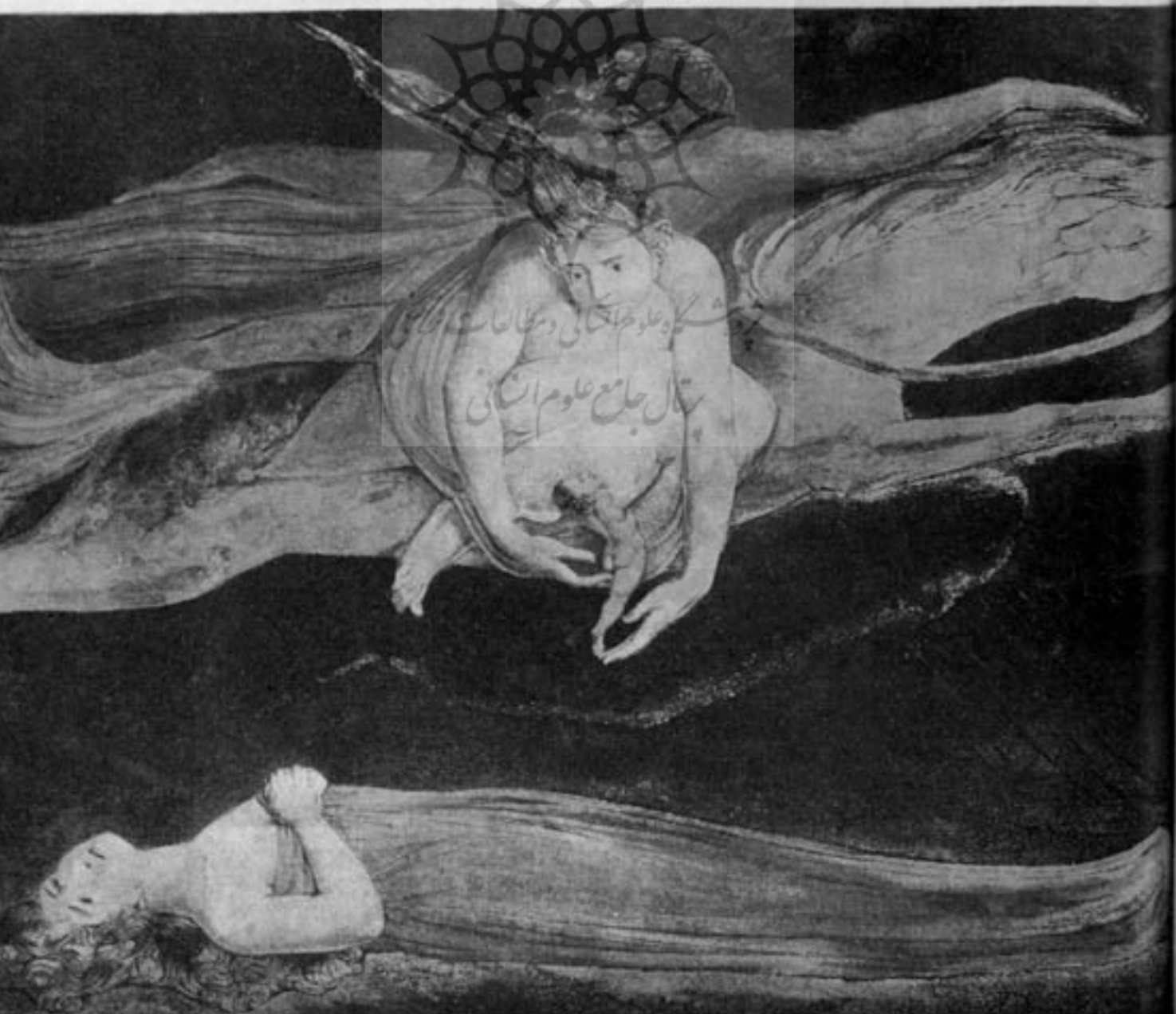
شیوه نقاشی انگلستان

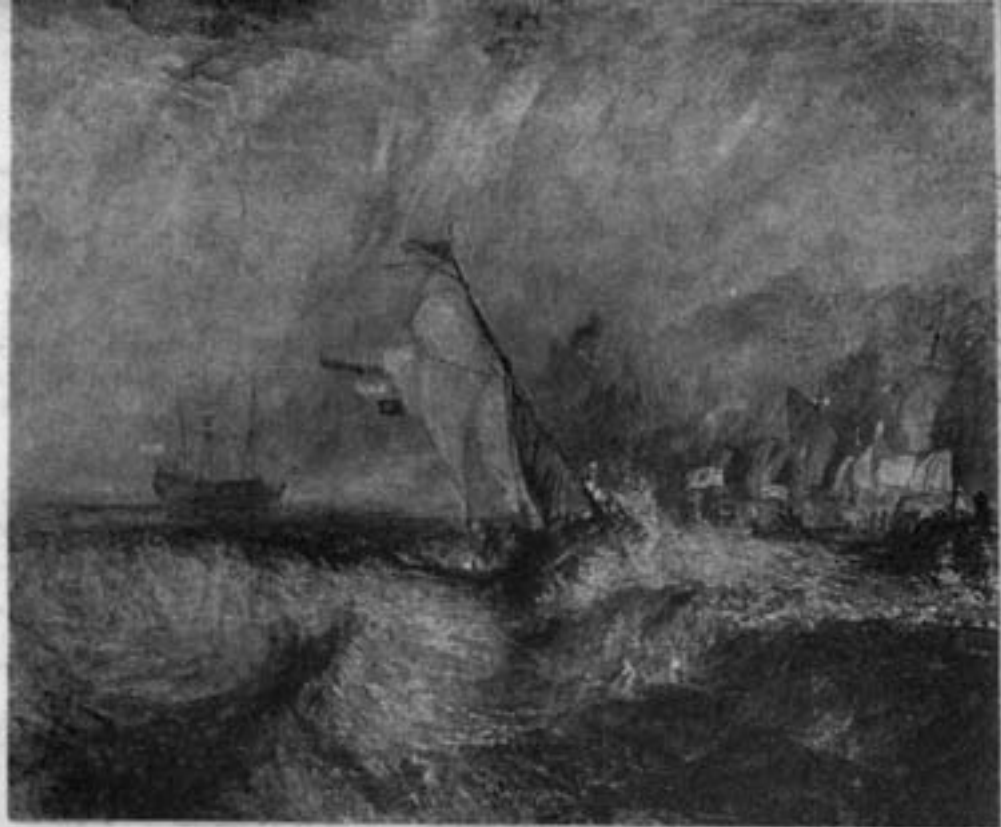
در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم

یکی از نقاشان معروف انگلستان در اواخر قرن هیجدهم و اوایل

قرن نوزدهم «ویلیام بلیک William Blake» (۱۷۵۷-۱۸۲۷) است. بلیک

ترجمه کار ویلیام بلیک





نقاش و شاعری صوفی
 مسلک و سخت پای بند
 مذهب بود، علاقه او به
 مذہبش و خرافات و
 افسانه های آن چنان
 بود که از دیگران
 برید و در دنیائی خاص
 خود می زیست و آثارش
 نیز به همان دنیای وهمی

ناو ۳۳۰۰ کار ترنر

که آکنده از رؤیا های مذهبی بود تعلق دارد. گروهی عقیده دارند که
 « بلیک » دیوانه بوده است و بسیاری سخت مخالفند و این افراط را نوعی
 بروز نبوغ می شمارند. بهر تقدیر « ویلیام بلیک » در آثارش بیشتر به
 حکایات و داستانها و اشخاص مذهبی، خاصه آسمانی، نظر دارد و بسیار از
 عذاب جهان دیگر در وحشت است. از این رو کمتر نقش های طبیعی را که
 نقاشان دیگر سخت بدانها علاقمند بودند به روی پرده می آورد و بیشتر
 به رؤیاها و خیال های مذهبی خود توجه داشت.

جو بیار کار ترنر

باید گفت پس از «رنسانس» اولین نقاشی
 است که از شیوه های رایج روی گردانده
 و به راهی که بخود برگزیده است و بیشتر به
 شیوه های نقاشان مذهبی قبل از رنسانس شبیه
 می باشد گرویده است و اگر بهتر بگوئیم
 عقاید و تفکرات مالخولیائی « بلیک »
 او را بدین راه کشاند. اما با این همه
 شك نیست که « بلیک » یکی از هنرمندان
 با ارزش و نامی انگلستان است و کار هایش





سفر ادیسه کار ترنر

بسیار اصیل و بی نظیر است ارج هنری بسیار دارد.

در همین زمان در انگلستان شاخه‌ای از نقاشی رواج یافته بود که بسیاری از هنرمندان از چمنده انگلیسی بدان راه رفته بودند. این شاخه از نقاشی منظر سازی بود. چند تن از بزرگان هنر نقاشی انگلستان که در جهان شهرتی به سزا دارند در این زمان می زیستند و عمر خود را بر سر دورنما سازی گذاردند. اینان بیشتر به مناظر روستائی توجه داشتند و در دورنماهای دیگر نیز می کوشیدند رنگ

روز طوفانی کار کوکس دیوید

روستا در آن ها به چشم بخورد.

از هنر مندان دور نما ساز بسیار معروف انگلیسی یکی « ویلیام ترنر



John William Turner « William Turner » (۱۷۷۵ - ۱۸۵۱) و دیگری « جان کنستابل John Constable » (۱۷۷۶ - ۱۸۳۷) را می‌توان نام برد . (در شماره آینده به تفصیل درباره کنستابل سخن خواهیم گفت) در آثار این دو نقاش که در يك زمان می‌زیستند همان اختلاف که در کارهای « کینزبرا » و « رینولدز » به چشم می‌خورد ، دیده می‌شود ، با این تفاوت که اختلاف میان شیوه این دو نقاش بسیار بیش از تفاوت سبک رینولدز و کینزبرا است . ترنر مانند « رینولدز » با همه اصالتی که در کارش نهفته است ، شیوه‌ای نزدیک به روش معاصرانش دارد و تا حدی از سنت‌های نقاشی انگلستان پیروی می‌کند .

آرزوی « ترنر » در منظره سازی این بود که به حد « کلودلورن » Claude Lorrain « (۱۶۰۰ - ۱۶۸۲) نقاش فرانسوی برسد . هر گاه از تابلوهایش سخن به میان می‌آمد آنها را با کارهای « لورن » می‌سنجید . بد نیست یاد آور شویم که زیبایی کارهای « لورن » در سادگی و آرامش آنهاست و به عکس در آثار ترنر نوعی حرکت و جنبش به چشم می‌خورد و رنگهایی که این نقاش به کار می‌برد دارای آن هماهنگی ساده که در تابلوهای « لورن » دیده می‌شود ، نیست .

ترنر با وجودیکه به کارهای نقاشان پیش از خود در انگلستان و آثار نقاشان دیگر اروپائی نظر داشته است کمتر پیروی کور کورانه از آنان کرده و اثری به تقلید آنان به وجود آورده است . برای مثال : بسیاری از دورنما سازان قرن هیجدهم هلندی و ایتالیائی منظره دریای طوفانی و کشتی را در حالات مختلف کشیده‌اند . اما اینان دورنمای کشتی را آنچنان که می‌دیدند نمی‌کشیدند . بلکه اطلاعات خود را در باره قسمت‌های مختلف کشتی بر آن می‌افزودند و در تابلو خود منعکس می‌ساختند . بدین سبب ریزه کاری هائی که بهیچ روی بیننده‌ای از دور قادر بدیدن آنها نیست به روی پرده



ملکه «کارولین» کار سر تامس لارنس

نقاشی می‌آمد. اما ترنر را گرمی خواهد منظره ای از طوفان را جلوه گر سازد، تنها تصویر مجوی از کشتی و دریا به دست می‌دهد و کوششش بر این است که حالت طوفان را در بیننده برانگیزد. انسان کشتی طوفان زاده ترنر را که تنها با خطوطی محو تصویر شده است در دالان مانندی می‌یابد که گردا گردش را ابرها و امواج فرا گرفته‌اند. از این رو احساسی که نقاش خواستار آن است در بیننده قوی تر و اصیل تر برانگیخته می‌شود.

بسیار کسان خرده از نقاش خرده می‌گرفتند که کسی طوفان بدین صورت که او تصویر می‌کند ندیده است و... باید گفت که ارزش کارهای ترنر نیز در همین نکته است و آنچه او را از دیگر معاصرانش جدا می‌سازد و ارجی بیشتر بدو می‌دهد نیز همین است، چون او مصالح طبیعی را بطور خام در اثرش منعکس نمی‌سازد، بلکه آنها را برای صورت بخشیدن به خیال خود و انتقال آن احساس خیالی به بیننده، بکار می‌برد.

از دیگر نقاشان این زمان که به کار منظره سازی پرداخته‌اند می‌توان «کوکس دیوید Cox David» (۱۷۸۳-۱۸۵۹) و «پیتر دو وین Peter de Wint» (۱۷۸۴-۱۸۴۹) را نام برد.

سر تامس لارنس Sir Tomas Lawrence (۱۷۶۹-۱۸۳۰) که یکی

از چهره سازان معروف انگلستان است درین زمان می‌زیسته است. این

خانه های کهن بر فراز ایل کار پتر دو وین



نقاش که شهرت فراوان داشته است از نقاشان در باری بوده و تصویرهای بسیاری از خانواده سلطنتی انگلستان کشیده است. در اواخر عمر به لقب «شوالیه» مفتخر شد و چندی بعد ریاست «آکادمی پادشاهی» انگلستان بدو سپرده شد. (پژوهنده)